

اثرات تورمی حداقل دستمزد در بخش صنعت: مطالعه موردی ایران؛

دکتر سعید عیسی زاده^۱

چکیده:

امروزه یکی از موضوعات مهم اقتصادی در بازار کار، تعیین حداقل دستمزد می باشد. این اقدام معمولاً در جهت حمایت از نیروی کار، حفظ و ارتقای قدرت خرید و رفاه زندگی شاغلین در بازار کار، اتخاذ می گردد. اما اهمیت اصلی این موضوع بیشتر به دلیل اثرات اجتماعی و اقتصادی آن می باشد. یکی از تأثیرات افزایش حداقل دستمزدها، افزایش هزینه نیروی کار و در نتیجه هزینه کل می باشد. مطالعات مختلف نشان میدهد که بنگاه ها به منظور کاهش هزینه های افزایش یافته نیروی کار (ناشی از افزایش حداقل دستمزدها) یا اشتغال را کاهش می دهند و یا اقدام به کاهش سود و یا افزایش قیمت می کنند. نظریات متعارف اقتصادی نیز پیش بینی می کنند که بنگاه ها در پاسخ به افزایش حداقل دستمزدها، اشتغال را کاهش می دهند و از طرف دیگر نیز پیش بینی می کنند زمانی که بنگاه با یک شوک هزینه، همانند افزایش حداقل دستمزد، مواجه شود آن شوک را به قیمت ها منتقل می کنند. پژوهش حاضر تلاش کرده است تا اثر افزایش در حداقل دستمزدها را بر قیمت کالاها و خدمات در بخش صنعت در ایران با استفاده از جدول داده- ستانده سال ۱۳۸۰ در قالب فروض و سناریوهای مختلف مورد ارزیابی قرار دهد. به منظور ارزیابی اثرات افزایش حداقل دستمزد تحت دو سناریوی پوشش کارکنان حداقل دستمزد را ۱۳/۵ درصد و ۲۸ درصد و همچنین در حالت های بدون سر ریز و با وجود آن در نظر گرفته ایم. نتایج بدست آمده نشانگر اثر مثبت تعیین حداقل دستمزد بر قیمت ها به شیوه کنونی می باشد که بطور متوسط افزایش ۰/۲۱ تا ۰/۶۱ درصدی را در قیمت های بخش صنعت در سناریوهای مختلف نشان می دهد.

مقدمه:

مسأله تعیین حداقل دستمزد برای کارگران، همواره یکی از مقولات مجادله برانگیز در عرصه کار و تأمین اجتماعی بوده است. به این دلیل که تعیین حداقل دستمزد و افزایش های منظم یا نامنظم آن، اثرات اجتماعی-اقتصادی مختلفی را دربردارد. به همین دلیل بررسی ابعاد مختلف تعیین حداقل دستمزد از موضوعات مهم اقتصادی، اجتماعی و حتی سیاسی به شمار می رود. اما یکی از جنبه های بسیار مهم آن تأثیر حداقل دستمزد بر هزینه های تولید و در نتیجه سطح عمومی قیمت هاست. زیرا بنا به ارتباط های بین بخشی در اقتصاد، افزایش سطح دستمزد در جامعه موجب بروز اثرات مرحله ای در کلیه بخش ها و در کل اقتصاد می شود. این افزایش عمومی در سطح قیمت ها تحت عنوان تورم معروف است که این نوع از تورم به دلیل تأثیری که بر هزینه های تولید دارد تورم ناشی از فشار هزینه نامیده می شود. بنابراین افزایش حداقل دستمزد که معمولاً به منظور حفظ قدرت خرید گروه های کارگری اجرا می شود؛ خود می تواند باعث



تورم شود. چرا که افزایش حداقل دستمزدها منجر به افزایش هزینه‌های نیروی کار و نتیجتاً افزایش هزینه تولید خواهد شد، که اگر هزینه افزایش یافته نیروی کار را مصرف کنندگان آن صنعت بپردازند در این صورت قدرت خرید واقعی مصرف کنندگان کاهش خواهد یافت و خانوارهای کم درآمد که افزایش حداقل دستمزد، بیشتر برای کمک به آنها صورت گرفته بود آسیب بیشتری می بینند. به عبارت دیگر افزایش در حداقل دستمزد، ممکن است خود باعث کاهش دستمزد واقعی شود. (لی و همکاران، ۲۰۰۰)

مبانی نظری:

مبانی نظری خرد مربوط به حداقل دستمزد بیان می کنند که زمانی که کارفرماها با افزایش های حداقل دستمزد مواجه می شوند، از تعداد شاغلین در بنگاه می کاهند. همین امر باعث شده است تا ادبیات تجربی گسترده ای درباره تأثیرات اشتغالی حداقل دستمزد وجود داشته باشد. اما نظریات اقتصادی همچنین پیش بینی می کنند که اگر بنگاه با یک شوک هزینه، همانند افزایش های حداقل دستمزد، مواجه شود، می تواند آن را به قیمت ها منتقل کند.

شواهد تجربی موجود همواره اثر منفی روی اشتغال را که به وسیله تئوری پیش بینی میشود تأیید نمی کنند. همین موضوع نشان می دهد زمانی که استخدام و سود تحت تأثیر قابل توجهی قرار نمی گیرند، قیمت های بالاتر راه دیگری برای عکس العمل به افزایش حداقل دستمزد می باشد. توضیح بیشتر اینکه، در صورتی افزایش حداقل دستمزد به قیمت ها منتقل نمی شود که بنگاه هایی که از این شوک متأثر شده اند مجبور به رقابت با بنگاه هایی باشند که به وسیله این افزایش هزینه، متأثر نشده اند و گرنه چنانچه شوک در سطح صنعت باشد افزایش قیمت ها حتمی است. (لموس، ۲۰۰۶)

مبانی نظری شکل گرفته در خصوص پدیده تورم، نشان می دهد که تورم ناشی از فشار هزینه به دلیل افزایش هزینه های تولید و انتقال منحنی عرضه کل اتفاق می افتد. این نظریه زمانی ارائه شد که پدیده تورم توأم با بیکاری در دهه ۷۰ میلادی به وقوع پیوست. (بلانچارد، ۲۰۰۵) در اوایل این دوره شوک نفتی دوم اتفاق افتاد که در نتیجه آن تورم و بیکاری به صورت همزمان افزایش و نرخ های رشد بهره وری کاهش یافت. این اتفاقات مفهوم جدیدی را در اقتصاد رواج داد که با عنوان تورم رکودی معروف شد. (ایتول و همکاران، ۱۹۸۸، ج ۴)

از همین زمان بود که عمودی بودن منحنی فیلیپس بلندمدت در یک نرخ طبیعی بیکاری، صرف نظر از نرخ تورم موجود مطرح شد (برانسون، ۱۳۸۰) که بر این اساس در بلندمدت رابطه مبادله بین تورم و بیکاری وجود ندارد. (بورجاس، ۲۰۰۵)

مروری بر مطالعات تجربی

در ارتباط با این موضوع تحقیقات زیادی در کشورهای مختلف صورت گرفته است.

نخستین بار جرج جی استیگر^۱ در سال ۱۹۴۶ در مقاله ای تحت عنوان "اقتصاد وضع قانون حداقل دستمزد" به بررسی وضع قانون حداقل دستمزد مربوط به سال ۱۹۳۸ در آمریکا پرداخت و فهمید که با افزایش در حداقل دستمزد، قیمت ها افزایش می یابد. (آرنسون، ۲۰۰۶)

مشابه بررسی بالا توسط وی بسکر^۲ و تد تو^۳ انجام گرفت. ایشان در اگوست ۱۹۹۸ در مقاله شان با نام "حداقل دستمزدها برای انحصارهای خرید رونالد مک دونالد" به یک مدل رقابت انحصاری برای ارزیابی تأثیر حداقل دستمزد اشاره می کنند و به این نتیجه می رسند که اگر بازار، رقابتی باشد استخدام و قیمت صنعت با هم رابطه عکس دارند اما اگر بنگاه ها از قدرت بازاری تولید برخوردار باشند یک افزایش در حداقل دستمزد، استخدام و قیمت های صنعت را افزایش می دهد. (بسکر، تو، ۱۹۹۸)

سلکبیرتز^۴ (۱۹۸۱) ۴ مورد از این مطالعات را مورد بررسی قرار داد. در این مطالعات تأثیر بر دستمزد و تورم قیمت، در نتیجه افزایش ۱۰ درصدی در حداقل دستمزد، در دامنه ۰/۱۵ تا ۰/۷۶ درصد قرار داشت. پیام ضمنی مطالعات این است که تأثیر حداقل دستمزد بر تورم، بسیار کمتر از آن چیزی است که اهمیت داده می شود.

ویلسون^۵ (۱۹۹۸) تخمین هایی را گزارش کرد که با استفاده از ۱۱ مدل کلان ایالات متحده از اقتصاد ایالات متحده توسعه داده شده است. افزایش ۱۹/۴ درصدی گزارش شده در حداقل دستمزد که در ۲۰۰۰-۱۹۹۹ تخمین زده شده بود، قیمت های سراسری را در حدود ۰/۲ درصد در سال اول و ۰/۳ درصد در سال دوم افزایش داد.

فرای و گوردون (۱۹۸۱) در بررسیشان تأثیر مداخله دولت (مانند افزایش های حداقل دستمزد) بر تورم را همراه با کنترل کردن انتقال دهنده های تقاضای کل، مورد توجه قرار دادند. آنها دریافتند که یک افزایش ۱۰ درصدی در حداقل دستمزد، تورم را در حدود ۰/۲ درصد افزایش می دهد.

لموس^۶ (۲۰۰۶a) [در مطالعه اش برای کشور برزیل] از تجزیه و تحلیل رگرسیونی و داده های قیمت مصرف کننده ماهانه به علاوه ی داده های خانوارها (برآورد اشتغال ماهانه) و داده های بنگاه (برآورد صنعتی ماهانه) مربوط به سال های ۲۰۰۰-۱۹۸۲ استفاده کرد و فهمید که ۱۰ درصد افزایش در حداقل دستمزد، قیمت های سراسری را حدود ۰/۸ درصد بعد

1. George J. Stigler

2. V. Bhaskar

3. Ted To

4. Wilson

5. Lemos

6. PME

7. PIM



می دهد و در سال ۱۹۹۷، ۹ درصد افزایش در حداقل دستمزد، قیمت های غذا را ۰/۹ درصد در محل های صرف غذا و نوشیدنی و کمتر از ۰/۳ درصد قیمت غذاهای فرآوری شده را افزایش می دهد. (لی و همکاران، ۲۰۰۰)

در یک روش مشابه، مک کوردی^۱ و اوبراین- استرین^۲ (۱۹۹۷ و ۲۰۰۰a و ۲۰۰۰b)، اوبراین- استرین (۱۹۹۹) و اوبراین- استرین و مک کوردی (۲۰۰۰) یک دیدگاه هزینه و منفعت برای افزایش حداقل دستمزد دارند. آنها نشان دادند که افزایش حداقل دستمزد ایالات متحده در ۱۹۹۹-۲۰۰۰ خانواده های کالیفرنایی را تحریک میکند تا بعد از اینکه آنها درآمدهای بالاتر را دریافت کردند مبلغ بیشتری را برای کالاها و خدمات پرداخت کنند. آنها برآورد کردند که یک افزایش ۱۰ درصدی در حداقل دستمزد، قیمت های کالا را در حدود ۰/۳ تا ۲/۱۶ درصد افزایش می دهد. روی هم رفته، یافته های کلیدی تحقیقشان این بود که خانوارهای فقیر کمتر از نیمی از منافع اضافی ناشی از حداقل دستمزد را به دست می آورند. (اوبراین- استرین و مک کوردی، ۲۰۰۰)

مک کوردی و مک اینتایر^۳ (۲۰۰۱) برآورد کردند که یک افزایش ۱۰ درصدی در حداقل دستمزد، قیمت های سراسری را در حدود ۰/۲۵ درصد و قیمت های غذایی که در بیرون (درون) خانه مصرف می شوند را در حدود ۱/۲ درصد (۰/۸ درصد) افزایش می دهد.

در اقتصاد ایران نیز سید احمدرضا جلالی نائینی و محمدرضا حسینی (۱۳۷۷) در مقاله ای تحت عنوان «یک الگوی تلفیقی تورم: فشار هزینه و اضافه تقاضا» به بررسی اثر تکانه های تقاضا و فشار هزینه بر تورم طی دوره ۷۵-۱۳۳۸ به روش اقتصاد سنجی پرداختند. در این الگو، تورم به صورت یک کنش عرضه و تقاضا، یعنی جمع فشار هزینه و مازاد تقاضا در نظر گرفته شده است. بخش عرضه، به بررسی مسأله فشار هزینه و اثر آن بر سطح قیمت ها می پردازد. در این بخش، اثر سطح دستمزدها و سطح قیمت کالاهای وارداتی و دیگر عوامل هزینه ای بر سطح کل قیمت ها بررسی می شود. در بخش دوم، عملکرد بازار پول و اثر افزایش نقدینگی بر تقاضای اسمی و تأثیر آن بر سطح قیمت ها مورد توجه قرار می گیرد.

نتایج بلندمدت ناشی از تخمین الگو نشان می دهد شاخص قیمت کالاهای وارداتی بیشترین تأثیر را در افزایش قیمت دارد. همچنین حجم پول نیز تأثیر زیادی بر سطح قیمت ها دارد و در مراحل بعد سطح دستمزدهای واقعی و نرخ ارز اثرات مثبتی بر سطح قیمت ها دارند. (جلالی نائینی، میرحسینی، ۱۳۷۷)

در مطالعه دیگری «پروانه جهانی رایبی» و همکارانش نیز (۱۳۸۶) به بررسی تورم در ایران به صورت تجربی و با کمک آمار و ارقام پرداختند. ایشان یکی از دلایل تورم در ایران را تورم ناشی از فشار هزینه عنوان کردند و اشاره کردند که افزایش

از ۵ ماه از تعدیل افزایش می دهد. (لموس، ۲۰۰۶)

لموس (۲۰۰۴) همچنین دریافت که یک افزایش ۱۰ درصدی در حداقل دستمزد، قیمت های پرداخت شده به وسیله فقرا (ثروتمندان) را در حدود ۰/۱۲ درصد (۰/۰۴ درصد) در همان ماه افزایش [حداقل دستمزد]، در حدود ۰/۲۷ درصد (۰/۱۶ درصد) بعد از ۶ ماه، و در حدود ۰/۱۷ درصد (۰/۱۵ درصد) بعد از ۱۱ ماه، افزایش می دهد. این مورد اشاره می کند که تورمی که مصرف کنندگان فقیر در برزیل تجربه می کنند برابر بالاتر از مصرف کنندگان ثروتمند در ماه افزایش [حداقل دستمزد] می باشد. این اثر متفاوت در طول زمان کاهش می یابد و به طور کلی نرخ یکسانی بعد از یک سال از تعدیل وجود دارد.

مطالعات داده- ستانده:

ولف و ندیرای (۱۹۸۱) با فرض اثر انتقال کامل، بدون اثرات جانشینی، بدون در نظر گرفتن اثر اشتغال و بدون اثرات سرریز، برآورد کردند که افزایش ۱۰ تا ۲۵ درصدی در حداقل دستمزد، قیمت ها را در حدود ۰/۳ تا ۰/۴ درصد افزایش می دهد. یک بخش مهم از مدلشان، اقامه کردن دلیل موجه برای عدم موفقیت مدل های داده- ستانده برای پیش بینی عکس العمل های بلندمدت میباشد. این موضوع به دلیل فروض ضمنی نبودن جانشینی بین کالاها و خدمات و فرض ثابت بودن اشتغال و تولید در کوتاه مدت می باشد. (لموس، ۲۰۰۶)

چینکوک لی و براین اوروارک (۱۹۹۹) تأثیرات افزایش حداقل دستمزد را بر قیمت های غذا، تولیدات وابسته و صنایع خدمات غذایی در آمریکا بررسی کردند. نتایج نشان داد که در دوره مورد مطالعه (۱۹۹۷ - ۱۹۷۲) افزایش نیم دلار در حداقل دستمزد، قیمت ها را کمتر از یک درصد برای بیش از ۱۲ نوع غذا و تولیدات وابسته و یک درصد در محل های صرف غذا و نوشیدنی افزایش می دهد و یکی از نتایجی که گرفتند این بود که در صنایع غذایی، با افزایش حداقل دستمزد، درصد کارگران با دستمزد پایین کاهش می یابد در نتیجه فشار کمتری بر قیمت کالاها وارد می شود. اما در محل های صرف غذا و نوشیدنی با افزایش حداقل دستمزد، درصد کارگران حداقل دستمزد افزایش می یابد در نتیجه فشار بیشتری بر قیمت غذا وارد می شود. نتیجه دیگری که گرفتند این بود که افزایش قیمت در کل صنعت، خیلی بالا نبود بنابراین بعید است که هزینه های بیشتر غذا، دستمزد کارگران با حداقل دستمزد را کاملاً خنثی کند. (لی، اوروارک، ۱۹۹۹)

چینکوک لی، جerald شلاتر و براین اوروارک (۲۰۰۰) در بررسی شان به این نتیجه می رسند که در آمریکا در سال ۱۹۹۲، افزایش ۱۲ درصدی در حداقل دستمزد کمتر از یک درصد قیمت های غذا را در محل های صرف غذا و نوشیدنی و کمتر از ۰/۴ درصد قیمت غذاهای فرآوری شده را افزایش

1. MaCurdy

2. O'Brien-Strain

3. McIntyre

حقوق و دستمزد مهمترین منبع تورم از مقوله فشار هزینه است. ایشان اشاره کردند که آمار شاخص هزینه دستمزد در سال های اخیر (۱۳۷۹ تاکنون) در سه حوزه فوق نشان دهنده افزایش دو رقمی این ارقام است و بالاترین رشد، مربوط به رشد حقوق و دستمزد در بخش صنعت بوده که متوسط رشد دستمزد در این بخش در سال های ۱۳۸۶-۱۳۷۹ حدود ۳۱ درصد می باشد. البته رشد دستمزد و حقوق خدمات ساختمانی نیز ۱۹ درصد بوده است که البته بالاتر از نرخ رشد متوسط تورم در همین دوره می باشد. کمترین رشد دستمزد هم متعلق به کارکنان دولت است. با این اوصاف جهانی و همکاریهای یکی از راهکارهای اجرایی سمت عرضه را برای کنترل تورم در بلندمدت، تعیین دستمزد بر اساس کارایی و بهره وری معرفی کردند. (جهانی رابینی و همکاریانش ۱۳۸۶)

حداقل دستمزد در ایران:

در ایران طرح آیین نامه مربوط به حداقل دستمزد و طبقه بندی کارگران برای اولین بار از طرف شورای عالی کار در سال ۱۳۲۵ توسط هیأت وزیران به تصویب رسید. حداقل دستمزد کارگر ساده طبق آیین نامه، در تمام نقاط کشور بر اساس هزینه زندگی تعیین شد. علیرغم تأثیری که مفاد این آیین نامه در ثبات اوضاع کارگری داشت، لیکن به علت اوضاع ناپه سامان اقتصادی، جز در مرکز آبادان و مناطق نفت خیز در سال ۱۳۳۷ و در چارچوب پیمان های خاص دسته جمعی در جای دیگری به مرحله اجرای قطعی نرسید. (مؤسسه کار و تأمین اجتماعی، ۱۳۷۳)

به دنبال تصویب قانون کار سال ۱۳۳۷ و تأیید همان اصول آیین نامه ای نیز در سال ۱۳۳۹ به تصویب شورای عالی کار رسید. که این آیین نامه به اجراء درنیامد و آیین نامه مصوب ۱۳۴۷/۱۲/۱۵ شورای عالی کار جایگزین آن گردید. (باقری نژادبان فرد، ۱۳۷۷) بر پایه ماده ۲۲ قانون کار مصوب سال ۱۳۳۷ حداقل دستمزد می بایست هر دو سال یک بار توسط هیأتی مرکب از نمایندگان دولت، کارفرماها و کارگران پیشنهاد گردد و پس از تأیید وزارت کار و امور اجتماعی و تصویب شورای عالی کار به موقع به اجراء گذارده شود. (اداره کل بهره وری و مزد، ۱۳۸۱)

شورای عالی کار از سال ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۷، حداقل دستمزد را بر مبنای صنایع مختلف و نیز مناطق سه گانه (منطقه یک، مراکز استانها و مناطق دو و سه شهرهای دورتر) تعیین کرد. (مؤسسه کار و تأمین اجتماعی، ۱۳۷۳) در سال ۱۳۵۲ نیز مقرر شد که حداقل دستمزد در عوض دو سال یکبار، در هر سال تعیین گردد. (ملک محمدی، ۱۳۶۸)

در ادامه پیگیری اهداف تعیین حداقل دستمزد و به استناد ماده ۲۲ قانون کار و تبصره ۵ ماده واحده قانون اجرای طرح طبقه بندی مشاغل در کارگاه ها، شورای عالی کار ضمن ادغام مناطق یک و دو در تاریخ ۱۳۵۶/۱/۲۷، حداقل دستمزد واحدی را برای کل کشور و حداقل دستمزدهای مختلفی را برای صنایع مختلف تعیین نمود. (مؤسسه کار و تأمین اجتماعی، ۱۳۸۰) از آغاز سال ۱۳۵۸ تقسیم بندی بر حسب صنایع نیز حذف و یک حداقل دستمزد کلی اعلام شد.

از این سال به بعد (به غیر از سال های ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۳) حداقل دستمزد هر ساله افزایش یافته است.

در ادامه پیگیری

اهداف تعیین حداقل دستمزد

و به استناد ماده ۲۲ قانون کار و تبصره

۵ ماده واحده قانون اجرای طرح طبقه بندی

مشاغل در کارگاه ها، شورای عالی کار ضمن

ادغام مناطق یک و دو در تاریخ ۱۳۵۶/۱/۲۷،

حداقل دستمزد واحدی را برای کل کشور و حداقل

دستمزدهای مختلفی را برای صنایع مختلف

تعیین نمود. (مؤسسه کار و تأمین اجتماعی،

۱۳۸۰) از آغاز سال ۱۳۵۸ تقسیم بندی بر

حسب صنایع نیز حذف و یک حداقل

دستمزد کلی اعلام شد.



که P_M بردار قیمت های واردات (P_M ها) و b ماتریس قطری وزن ها، b هستند. اگر وزن ها، b ، سهم واردات در کل تقاضای داخلی ($m + q - x$) باشند و صرف نظر از نوع تقاضای داخلی ثابت باشند، بنابراین:

$$b = (m + q - x)^{-1} * m \quad (3)$$

که m بردار واردات، q بردار تولیدات داخلی، و x بردار صادرات و m ، q و x به ترتیب ماتریس قطری بردارهای q ، m ، و x می باشند. از معادله (۱) با توجه به معادله (۳) داریم:

$$P_q = [I - A' * (I - b)]^{-1} (A' * b * P_M + R + W) \quad (4)$$

در اینجا P_q بردار قیمت های جدید ستانده است. با استفاده از این معادله می توانیم قیمت های جدید ستانده بخش را محاسبه کنیم البته با این فرض که غیر از افزایش حداقل دستمزد، در هزینه های دیگر هیچ افزایشی صورت نمی گیرد. همچنین، قیمت های جدید انتظاری ستانده بر اساس این فرض است که تولیدکنندگان می توانند هزینه افزایش یافته نهاده در نتیجه افزایش حداقل دستمزد را، به قیمت کالاها منتقل کنند:

$$dP_q = [I - A' * (I - b)^{-1}] * (A' * b * P_M + R + dP_1 * L) P_1 * L = W \quad (5)$$

که در اینجا dP_q قیمت جدید ستانده را در شرایطی نشان می دهد که حداقل دستمزد افزایش یابد. عبارات دیگر مانند $(A' * b * P_M + R)$ در معادله (۵) بدون تغییر باقی می ماند زیرا ما فرض میکنیم که در تکنولوژی (A)، قیمت های واردات (P_M) یا درآمدهای اضافی (R) هیچ تغییری صورت نمی گیرد. (لی و همکاران، ۲۰۰۰)

اثرات سرریز:

یکی از مواردی که در این بررسی مورد توجه قرار می دهیم اثرات سرریز حداقل دستمزد است. اثرات سرریز باعث می شود که افزایش حداقل دستمزد، طبقات مزدی بالاتر را تحت تأثیر قرار دهد در نتیجه کل ساختار دستمزد به سمت بالا حرکت کند.

این امر زمانی اتفاق می افتد که کارفرماها دستمزدهای کارگرانی را که قبلاً بیشتر از حداقل دستمزد دریافت می کردند افزایش دهند. این موضوع باعث میشود توزیع دستمزد بین گروه های مزدی پایدار بماند. از آنجایی که این موضوع به تصمیم شخصی بنگاه مربوط است، هیچگونه شواهد تجربی از میزان افزایش دستمزد به دلیل اثرات سرریز وجود ندارد.^۲

استفاده از سناریوهای متفاوت:

از آنجایی که آمار مربوط به درصد شاغلین در سطح حداقل دستمزد در زیر بخش های صنعت وجود نداشت، به همین

همزمان با بررسی وضعیت حداقل دستمزدها در ایران با بررسی شاخص های قیمت در ایران^۱ نیز درمی یابیم که همراه با افزایش حداقل دستمزدهای جاری در ایران شاخص های قیمت نیز افزایش یافته است. بنابراین بررسی اثرگذاری تعیین حداقل دستمزدها بر شاخص های قیمت از جمله موضوعات مهم اقتصادی بویژه در ایران می باشد.

مدل داده - ستانده انتقال هزینه دستمزد به قیمت:

مدلی که در اینجا بکار می بریم، در واقع روشی است که در آن بنگاهها در یک بازار رقابت کامل، قیمت هایشان را با هزینه متوسط و نهایی برابر می کنند. تحت این شرایط، هر افزایشی در هزینه نیروی کار (دستمزد) به وسیله تأثیر سهم نیروی کار از هزینه عملیاتی، منجر به افزایش قیمت تولید صنعت می شود. بنابراین در این روش، نه تنها انتقال هزینه های مستقیم حداقل دستمزد را در یک بخش تحلیل می کنیم، بلکه همچنین هزینه های غیر مستقیم را روی بخش های مرتبط نیز بررسی می کنیم. از آنجایی که ممکن است هزینه افزایش یافته دستمزدها به صورت کامل به قیمت ها منتقل نشود، تخمین ما تحت عنوان «حد بالای» اثرات قیمتی افزایش حداقل دستمزد تفسیر میشود. زیرا یکی از فروض مدل داده-ستانده فرض انتقال کامل میباشد.

نکته دیگر آنکه در تابع تولید لئونتیف، جانیشینی در میان داده ها وجود ندارد. در اینجا نیز فرض می شود که در یک دوره مشخص، با ظرفیت های تولید موجود برای هر بخش، همواره یک ترکیب از منابع وجود دارد که بنگاه ها به عنوان بهینه در نظر می گیرند. بنابراین، هزینه واحد تولید شامل نهاده های واسطه ای و هزینه ثابت عوامل اولیه مستقیم می باشد. قیمت هر واحد تولید شامل نهاده های کالایی است که در تولید بکار رفته است، که هر کدامشان بر اساس وزنشان در ستانده کالا مشخص می شوند و با قیمت نهاده های نیروی کار و سرمایه جمع می گردند. در حال تعادل، بهای واحد قیمت تولید بخش Z_j ، ارزش نهاده های واسطه و عوامل اولیه تولید را به صورت زیر مورد بحث قرار می دهد:

$$Pq = A * Pa + R + W \quad (1)$$

که Pq بردار قیمت های تولید بخشی (P_j ها)، Pa بردار قیمت های نهادهها (P_i ها)، R و W بردار درآمدهای اضافی و جبران خدمات کارکنان ($L * P_l$)، و A ماتریس ضرایب فنی داده- ستانده است. درآمدهای اضافی آن بخش از باقیمانده درآمد بعد از پرداخت به نیروی کار است. قیمت های نهاده یک مجموعه موزون از قیمت های واردات و قیمت های تولیدات داخلی است. بنابراین:

$$Pa = b * P_M + (I - b) * Pq \quad (2)$$

۱. بانک اطلاعات سری های زمانی، سایت بانک مرکزی

۲. بنابراین طبق نظر چینکوک لی و همکارانش، که این مدل را برای اقتصاد آمریکا ارائه کرده اند، این اثر را به صورت فرضی در نظر می گیریم و اثر سرریز یک درصدی و سه درصدی را بر طبقات مزدی بالاتر از حداقل دستمزد اعمال می کنیم.

منظور از دو گزارش متفاوت در این زمینه استفاده کردیم. یک مورد مربوط میشد به نمونه‌گیری‌ای که در مهر ماه سال ۱۳۷۹ توسط وزارت کار انجام گرفته بود. در این نمونه‌گیری ۸۲۷ کارگاه بالای ۵۰ نفر کارکن در کل کشور مورد بررسی قرار گرفته بود که در نتیجه آن ۱۳/۵ درصد از شاغلین این کارگاه‌ها، حداقل دستمزد دریافت می‌کردند. (اداره کل بهره‌وری و مزد وزارت کار و امور اجتماعی، ۱۳۷۹) مورد دوم نیز مربوط می‌شد به اظهار نظر وزیر کار و امور اجتماعی که در اسفند ماه ۱۳۸۷ همزمان با اعلام میزان حداقل دستمزد کارگران عنوان کرد که ۲۸ درصد از کارگران، حداقل دستمزد مصوب شورای عالی کار را دریافت می‌کنند. (دنیای اقتصاد، ۱۳۸۷، ش ۱۷۵۷) این برآورد شاغلین زیر ۱۰ نفر کارکن را نیز شامل می‌شود. بنابراین به دلیل نبودن آمار مربوط به زیربخش‌های صنعت از همین برآوردها استفاده کردیم و آن را به تمام زیربخش‌های صنعت تعمیم دادیم.

تخمین مدل:

برای تخمین مدل ابتدا لازم است واردات زیربخش‌های صنعت به شکل ستونی، یعنی به تفکیک بخش مبدأ، محاسبه گردد برای این منظور از فرمول زیر برای برآورد مقدار واردات استفاده می‌کنیم:

تولید داخلی + واردات = مصارف واسطه + مصارف نهایی

بعد از محاسبه واردات زیربخش‌های صنعت لازم است تا ضریب واردات صنایع نیز تخمین زده شود:

ضریب واردات صنایع نیز بوسیله فرمول (۳) بدست می‌آید:

$$b = (m + q - x)^{-1} * m \quad (3)$$

و با توجه به رابطه (۲)، ضریب تولیدات داخلی (I - b) می‌باشد.

نتیجه کار را در جدول شماره ۱ ضمیمه مشاهده می‌کنیم.

$$Pa = b * P_M + (I - b) * Pq \quad (2)$$

تغییرات هزینه دستمزد صنعت ناشی از تغییر حداقل دستمزد:

با توجه به آمار دفتر مزد وزارت کار و امور اجتماعی، حداقل دستمزدها در سالهای ۱۳۷۹ و ۱۳۸۰ طبق جدول زیر بوده است همانطور که مشاهده می‌کنیم حداقل دستمزد روزانه در سال ۱۳۷۹ نسبت به سال ۱۳۸۰ حدود ۲۴ درصد افزایش یافته است:

جدول شماره ۱: حداقل دستمزدهای روزانه

سال	حداقل دستمزد روزانه
۱۳۷۹	۱۵۲۶۷
۱۳۸۰	۱۸۹۳۰

۱. گزارش مزد اداره کل بهره‌وری و مزد وزارت کار و امور اجتماعی، ۱۳۷۹
۲. به نقل از وزیر کار و امور اجتماعی، دنیای اقتصاد، ۱۳۸۷، ش ۱۷۵۷

اما نکته‌ای که در اینجا نیاز به توضیح دارد این است که در این مدل، قیمت واحد تولید در همه بخش‌ها یک در نظر گرفته می‌شود (توفیق، ۱۳۷۱) و از آنجایی که اجزاء این مدل سهم نسبی اقلام گوناگون هزینه را در قیمت ستانده نشان می‌دهد بنابراین باید آنها را بر تولید کل تقسیم کنیم. یعنی می‌خواهیم بدانیم از یک واحد تولید، اقلام گوناگون هزینه چه سهمی را دارا می‌باشند. به همین منظور سهم جبران خدمات اولیه از ستانده کل را برآورد می‌کنیم. (جدول شماره ۱ ضمیمه)

در ادامه برای برآورد میزان تغییر کل هزینه دستمزد صنعت (جبران خدمات کارکنان) در سال ۱۳۸۰ نسبت به سال ۱۳۷۹، (ناشی از تغییر حداقل دستمزد)، باید درصد افزایش دستمزد متوسط سال ۱۳۸۰ نسبت به سال ۱۳۷۹، سهم مزد و حقوق از جبران خدمات در سال ۱۳۸۰ و درصد شاغلین در سطح حداقل دستمزد را در هم ضرب کنیم. همانطور که قبلاً نیز گفتیم برای درصد شاغلین در سطح حداقل دستمزد دو سناریو در نظر می‌گیریم. یکبار آن را برای تمام زیربخش‌های صنعت ۱۳/۵ درصد تعیین می‌کنیم و بار دیگر آن را ۲۸ درصد^۲ در نظر می‌گیریم. نتیجه کار را در جدول شماره ۳ ضمیمه مشاهده می‌کنیم.

برآورد مدل:

همانطور که قبلاً نیز گفتیم برای برآورد مدل از معادلات (۴) و (۵) استفاده می‌کنیم:

$$(4) P_q = [I - \hat{A} * (I - b)]^{-1} - (\hat{A} * b * P_M + R + W)$$

$$(5) dP_q = [I - \hat{A} * (I - b)]^{-1} * (\hat{A} * b * P_M + R + dP_1 * L) P_1 * L = W$$

در این معادلات به غیر از W که با تغییر حداقل دستمزد تغییر میکند بقیه عوامل را ثابت در نظر می‌گیریم. علت ثابت گرفتن بقیه اجزاء معادله‌ها این است که بر طبق مدل امکان جایگزینی بین عوامل وجود ندارد به عبارتی فرض می‌کنیم که در کوتاه مدت هیچ نوع جایگزینی‌ای اتفاق نمی‌افتد. همچنین

خریداران نیز می‌توانند بر اثر تغییر قیمت‌های نسبی اقلام، به جابه‌جایی فرآورده‌ها اقدام کنند که این مورد را هم ثابت در نظر می‌گیریم.

در ابتدا جهت تخمین مدل، اجزاء آن را از جدول داده-ستانده استخراج کرده و محاسبه می‌کنیم. اما در محاسبه P_M نکته‌ای که لازم است توضیح داده شود این است که معمولاً همه قیمت‌ها برای سالی که جدول داده-ستانده تهیه شده برابر واحد فرض می‌شود. به عبارت دیگر قیمت‌ها در سال پایه (سال تهیه جدول داده-ستانده) برابر با واحد می‌باشد. (سوری، ۱۳۷۷)

حال جهت محاسبه قیمت تولیدات زیربخش‌های صنعت قبل از تغییر جبران خدمات کارکنان از معادله (۴) استفاده می‌کنیم. همچنین با تغییر جبران خدمات، قیمت‌های ثانویه طبق معادله (۵) بدست می‌آید. در نهایت نتیجه محاسبه درصد تغییر قیمت ناشی از افزایش حداقل دستمزد بدون در نظر گرفتن اثرات سرریز به صورت جدول شماره ۲ برای سناریوی ۱ و ۲ می‌باشد.

برآورد مدل با در نظر گرفتن اثرات سرریز:

همانطور که قبلاً نیز گفتیم یکی از مواردی که در این بررسی مورد توجه قرار می‌دهیم اثرات سرریز حداقل دستمزد است. برای احتساب این اثر بدین ترتیب عمل می‌کنیم. ابتدا سهم مزد و حقوق از جبران خدمات را در درصد شاغلین بالاتر از حداقل دستمزد (که در سناریوی یک ۸۶/۵ درصد و در سناریوی دو ۷۲ درصد می‌باشد) و در ضریب اثرات سرریز ضرب می‌کنیم. در ادامه درصد افزایش جبران خدمات ناشی از افزایش حداقل دستمزد و درصد افزایش جبران خدمات ناشی از اثرات سرریز را با هم جمع می‌کنیم. آنچه به دست می‌آید درصد افزایش جبران خدمات ناشی از افزایش حداقل دستمزد با احتساب اثرات سرریز می‌باشد. در نهایت هم به شیوه قبلی، سهم آن را از ستانده کل برآورد کرده و درصد افزایش قیمت‌ها را برآورد می‌کنیم. محاسبات در جدول شماره ۳ برای سناریوی ۱ و ۲ ارائه شده است.

جمع بندی نتایج:

همانطور که دیده شد تخمین را با دو سناریو و سه روش مختلف انجام دادیم. با توجه به افزایش ۲۴ درصدی در حداقل دستمزدها نتایجی به صورت زیر استخراج می‌شود:

سناریوی اول:

در سناریوی اول زمانی که تخمین را بدون اثرات سرریز انجام می‌دهیم، به غیر از دو بخش «سایر فلزات» و «ابزارهای اپتیکی و ابزار دقیق، ساعت‌های مچی و انواع دیگر ساعت» بقیه بخش‌ها با افزایش قیمت مواجه می‌شوند. این امر بدان دلیل است که علیرغم افزایش مزد و حقوق، در این دو بخش، دستمزد متوسط کاهش یافته و همین باعث کاهش کل هزینه دستمزد صنعت گردیده است. علت کاهش دستمزد متوسط هم به این خاطر است که همزمان با افزایش دستمزد، اشتغال هم افزایش یافته اما نسبت افزایش مزد و حقوق به اندازه اشتغال نمی‌باشد. (ارجاع به جداول ۲ و ۳ ضمیمه)

در این برآورد افزایش قیمت‌ها بین تقریباً صفر الی ۰/۶۱ درصد می‌باشد. که به طور متوسط افزایش ۰/۲۱ درصدی را در بخش صنعت نشان می‌دهد. بیشترین افزایش قیمت مربوط به بخش «مبلمان» می‌باشد.

در شرایطی که اثرات سرریز را هم در تخمین وارد کنیم، تمام بخش‌ها با افزایش قیمت مواجه می‌شوند. در این صورت، با اثر سرریز یک درصد افزایش قیمت‌ها در محدوده ۰/۷۲ - ۰/۰۶ و با اثر سرریز سه درصد در محدوده ۰/۹۳ - ۰/۰۸ درصد قرار می‌گیرد و متوسط افزایش قیمت‌ها هم در مورد اول در حدود ۰/۲۸ درصد و در مورد دوم در حدود ۰/۴۳ درصد تعیین می‌شود. در هر دو مورد ذکر شده بیشترین افزایش قیمت مربوط به بخش «مبلمان» است، اما کمترین افزایش در اثر سرریز یک درصد، در بخش‌های «فرآورده‌های نفتی» و «سایر فلزات» اتفاق افتاده است در حالی که در اثر سرریز سه درصد کمترین میزان افزایش تنها در بخش «فرآورده‌های نفتی» اتفاق افتاده است. علت این موضوع آن است که زیربخش «سایر فلزات» دارای ضرایب بزرگتری نسبت به «فرآورده‌های نفتی» می‌باشد با عنوان مثال سهم مزد و حقوق از جبران خدمات و سهم جبران خدمات از ستانده کل در «سایر فلزات» بیشتر از «فرآورده‌های نفتی» است، در نتیجه با افزایش اثرات سرریز، درصد افزایش قیمت‌ها در «سایر فلزات» با سرعت بیشتری افزایش می‌یابد.

در سناریوی اول زمانی که تخمین را بدون اثرات سرریز انجام می‌دهیم، به غیر از دو بخش «سایر فلزات» و «ابزارهای اپتیکی و ابزار دقیق، ساعت‌های مچی و انواع دیگر ساعت» بقیه بخش‌ها با افزایش قیمت مواجه می‌شوند.

جدول شماره ۲: درصد افزایش قیمت‌ها (بدون اثرات سرریز) در سناریوی ۱ (با پوشش کارکنان حداقل دستمزد ۱۳/۵ درصد) و در سناریوی ۲ (با پوشش کارکنان حداقل دستمزد ۲۸ درصد)

ردیف	عنوان محصولات	درصد افزایش قیمت‌ها (در سناریوی ۱)	درصد افزایش قیمت‌ها (در سناریوی ۲)
۱	روغن‌ها و چربی‌های گیاهی و حیوانی	۰,۲۲	۰,۴۶
۲	سایر محصولات غذایی و آشامیدنی	۰,۰۷	۰,۱۴
۳	محصولات از توتون و تنباکو	۰,۲	۰,۴۲
۴	منسوجات	۰,۳۳	۰,۶۸
۵	انواع پوشاک	۰,۲۶	۰,۵۴
۶	انواع کفش و اجزای آن و سایر محصولات چرمی	۰,۳۸	۰,۷۸
۷	محصولات ساخته شده از چوب، چوب پنبه، نی و مواد حصیربافی	۰,۲۱	۰,۴۴
۸	خمیر کاغذ، کاغذ و محصولات کاغذی، اوراق چاپی و ...	۰,۲۴	۰,۵
۹	فرآورده‌های نفتی	۰,۰۵	۰,۱
۱۰	مواد و محصولات شیمیایی	۰,۰۴	۰,۰۹
۱۱	محصولات لاستیکی و پلاستیکی	۰,۲۵	۰,۵۲
۱۲	شیشه و محصولات شیشه‌ای	۰,۱۷	۰,۳۴
۱۳	سایر محصولات کانی	۰,۳	۰,۶۱
۱۴	مبلمان	۰,۶۱	۱,۲۶
۱۵	آهن، فولاد و محصولات آن	۰,۱۹	۰,۳۹
۱۶	سایر فلزات	۰	۰,۰۱
۱۷	محصولات فلزی	۰,۱۷	۰,۳۴
۱۸	ماشین آلات با کاربرد عام	۰,۲۴	۰,۵
۱۹	ماشین آلات با کاربرد خاص	۰,۱۹	۰,۳۹
۲۰	وسایل خانگی و قطعات مربوط	۰,۱۸	۰,۳۸
۲۱	ماشین آلات دفتری، حسابداری و محاسباتی	۰,۰۴	۰,۰۷
۲۲	ماشین آلات و دستگاه‌های الکتریکی	۰,۳	۰,۶۳
۲۳	تجهیزات و دستگاه‌های مربوط به رادیو و تلویزیون و مخابرات	۰,۲۶	۰,۵۵
۲۴	تجهیزات پزشکی و جراحی و وسائل ارتوپدی	۰,۲۶	۰,۷۵
۲۵	ابزارهای اپتیکی و ابزار دقیق، ساعت‌های مچی و انواع دیگر ساعت	۰	۰
۲۶	وسایل نقلیه موتوری، تریلرها و نیم تریلرها، بدنه، قطعات و ...	۰,۰۳	۰,۰۷
۲۷	سایر وسایل و تجهیزات حمل و نقل و قطعات آنها	۰,۳۴	۰,۷
۲۸	جواهرات و کالاهای متفرقه طبقه بندی نشده در جای دیگر	۰,۱۵	۰,۳

مأخذ: محاسبات محقق

کارو جامعه

۱۶

مجله فصلنامه علمی-پژوهشی اقتصاد و بازرگانی

جدول شماره ۳: درصد افزایش قیمتها با احتساب اثرات سرریز در سناریوی ۱ و ۲

ردیف	عنوان محصولات	سناریوی ۱		سناریوی ۲	
		افزایش قیمتها با اثرات سرریز یک درصد	افزایش قیمتها با اثرات سرریز سه درصد	افزایش قیمتها با اثرات سرریز یک درصد	افزایش قیمتها با اثرات سرریز سه درصد
۱	روغن‌ها و چربی‌های گیاهی و حیوانی	۰,۲۶	۰,۳۵	۰,۴۹	۰,۵۷
۲	سایر محصولات غذایی و آشامیدنی	۰,۰۹	۰,۱۴	۰,۱۶	۰,۲
۳	محصولات از توتون و تنباکو	۰,۳۲	۰,۵۷	۰,۵۲	۰,۷۳
۴	منسوجات	۰,۴۳	۰,۶۴	۰,۷۷	۰,۹۴
۵	انواع پوشاک	۰,۳۷	۰,۵۹	۰,۶۳	۰,۸۲
۶	انواع کفش و اجزای آن و سایر محصولات چرمی	۰,۴۹	۰,۷	۰,۸۷	۱,۰۵
۷	محصولات ساخته شده از چوب، چوب پنبه، نی و مواد حصیربافی	۰,۲۹	۰,۴۶	۰,۵۱	۰,۶۴
۸	خمیر کاغذ، کاغذ و محصولات کاغذی، اوراق چاپی و ...	۰,۳۳	۰,۵۲	۰,۵۸	۰,۷۳
۹	فرآورده‌های نفتی	۰,۰۶	۰,۰۸	۰,۱۱	۰,۱۳
۱۰	مواد و محصولات شیمیایی	۰,۰۹	۰,۱۷	۰,۱۲	۰,۲
۱۱	محصولات لاستیکی و پلاستیکی	۰,۳۳	۰,۵	۰,۵۹	۰,۷۲
۱۲	شیشه و محصولات شیشه‌ای	۰,۲۵	۰,۴۳	۰,۴۲	۰,۵۶
۱۳	سایر محصولات کانی	۰,۳۹	۰,۵۷	۰,۶۹	۰,۸۴
۱۴	میلان	۰,۷۲	۰,۹۳	۱,۳۵	۱,۵۳
۱۵	آهن، فولاد و محصولات آن	۰,۲۳	۰,۳۲	۰,۴۲	۰,۵
۱۶	سایر فلزات	۰,۰۶	۰,۱۸	۰,۰۶	۰,۱۶
۱۷	محصولات فلزی	۰,۲۳	۰,۳۶	۰,۴	۰,۵۱
۱۸	ماشین آلات با کاربرد عام	۰,۳۵	۰,۵۷	۰,۵۹	۰,۷۷
۱۹	ماشین آلات با کاربرد خاص	۰,۲۳	۰,۳۳	۰,۴۳	۰,۵۱
۲۰	وسایل خانگی و قطعات مربوط	۰,۲۵	۰,۳۹	۰,۴۳	۰,۵۵
۲۱	ماشین آلات دفتری، حسابداری و محاسباتی	۰,۰۹	۰,۲۱	۰,۱۲	۰,۲۲

کار و جامعه



۰,۸۴	۰,۷	۰,۵۶	۰,۳۹	ماشین آلات و دستگاه‌های الکتریکی	۲۲
۰,۶۸	۰,۵۹	۰,۴۲	۰,۳۲	تجهیزات و دستگاه‌های مربوط به رادیو و تلویزیون و مخابرات	۲۳
۱,۰۴	۰,۸۵	۰,۷۲	۰,۴۸	تجهیزات پزشکی و جراحی و وسائل ارتوپدی	۲۴
۰,۲۱	۰,۰۴	۰,۲۸۴	۰,۰۸	ابزارهای اپتیکی و ابزار دقیق، ساعت‌های مچی و انواع دیگر ساعت	۲۵
۰,۱۶	۰,۱	۰,۱۴	۰,۰۷	وسایل نقلیه موتوری، تریلرها و نیم تریلرها، بدنه، قطعات و...	۲۶
۰,۹۲	۰,۷۸	۰,۶	۰,۴۲	سایر وسایل و تجهیزات حمل و نقل و قطعات آنها	۲۷
۰,۴	۰,۳۳	۰,۲۶	۰,۱۸	جواهرات و کالاهای متفرقه طبقه بندی نشده در جای دیگر	۲۸

مأخذ: محاسبات محقق

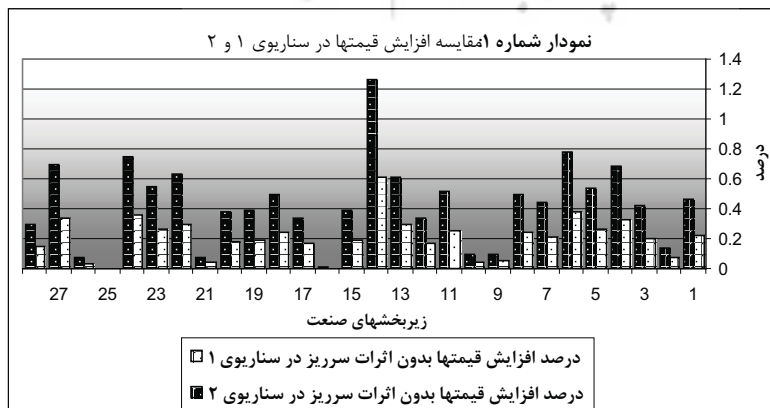
سناریوی دوم:

در سناریوی دوم زمانی که تخمین را بدون اثرات سرریز انجام می‌دهیم، به غیر از «ابزارهای اپتیکی و ابزار دقیق، ساعت‌های مچی و انواع دیگر ساعت» بقیه بخش‌ها با افزایش قیمت مواجه می‌شوند. این مورد هم مشابه سناریوی اول بدان دلیل است که علی‌رغم افزایش مزد و حقوق، در این بخش، دستمزد متوسط کاهش یافته و همین باعث کاهش کل هزینه دستمزد صنعت گردیده است.

در این برآورد، افزایش قیمت‌ها بین تقریباً صفر الی ۱/۲۶ درصد می‌باشد. که به طور متوسط افزایش ۰/۴۲ درصدی را در بخش صنعت در شرایطی که اثرات سرریز را هم در نظر بگیریم، در تمام بخش‌ها قیمت‌ها افزایش می‌یابند. در این صورت، با اثر سرریز یک درصد، قیمت‌ها بین ۰/۰۴ (مربوط به ابزارهای اپتیکی و ابزار دقیق، ساعت‌های مچی و انواع دیگر ساعت) و ۱/۳۵ درصد (مربوط به مبلمان) و با اثر سرریز سه درصد بین ۰/۱۳ (مربوط به فرآورده‌های نفتی) و ۱/۵۳ درصد (مربوط به مبلمان) قرار می‌گیرد. متوسط افزایش قیمت‌ها هم در مورد اول در حدود ۰/۴۹ درصد و در مورد دوم در حدود ۰/۶۱ درصد تعیین می‌شود.

مقایسه سناریوی اول و دوم:

یکی از مواردی که باعث می‌شود افزایش حداقل دستمزدها تأثیر بیشتری بر قیمت‌ها بگذارد این است که همزمان با افزایش حداقل دستمزدها، شاغلین حداقل دستمزد نیز افزایش یابند. میزان تأثیر این عامل را می‌توانیم با مقایسه سناریوی اول و دوم مشاهده کنیم. جهت ارزیابی این عامل از نمودار شماره ۱ استفاده می‌کنیم. در این نمودار، افزایش قیمت‌ها بدون اثرات سرریز (که فقط شامل شاغلین حداقل دستمزد می‌شود) مقایسه شده‌اند.



مقایسه نتایج با شاخص های قیمت:

می توانیم نتایج بررسی مان را با شاخص های قیمت تولیدکننده و نرخ تغییر آن مقایسه کنیم. به همین منظور شاخص های قیمت تولیدکننده را از سایت بانک مرکزی استخراج می کنیم. جدول شماره ۴ آمار مورد نظر را نشان می دهد. نرخ تغییر شاخص کل تولیدکننده از سال ۱۳۷۹ به ۱۳۸۰ حدود ۱۰/۹۱ درصد میباشد. در صورتی که متوسط برآورد انجام شده را به کل اقتصاد ایران تعمیم دهیم، متوجه می شویم که تغییرات قیمت محاسبه شده کمتر از نرخ شاخص تولیدکننده در سال ۱۳۸۰ است. این موضوع نشان می دهد که تمام افزایش شاخص های قیمت به افزایش هزینه نیروی کار مربوط نمی شود. برای سایر برآوردها و شاخص ها نیز همین نتیجه بدست می آید.

جدول شماره ۴: شاخصهای قیمت تولیدکننده

سال	شاخص های قیمت شاخص بهای تولیدکننده (بدون واحد)	شاخص های قیمت شاخص بهای تولیدکننده گروه های اختصاصی (بدون واحد)	شاخص های قیمت شاخص بهای تولیدکننده گروههای اصلی (بدون واحد)
	شاخص کل	مواد معدنی، محصولات صنعتی و تأمین برق و گاز و آب	محصولات صنعتی
۱۳۷۹	۱۶۹,۶	۱۶۹	۱۶۸,۵
۱۳۸۰	۱۸۸,۱	۱۷۸	۱۷۷,۳
درصد افزایش شاخص	۱۰,۹۰۸۰۱۸۸۷	۵,۳۲۵۴۴۳۷۸۷	۵,۲۲۲۵۵۱۹۲۹

مأخذ: سایت بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

مقایسه افزایش قیمتها در سناریوی اول و دوم:

با مقایسه افزایش قیمت ها در تخمین های انجام شده نتایج زیر حاصل می شود:

«سایر محصولات غذایی و آشامیدنی»، «فرآورده های نفتی»، «مواد و محصولات شیمیایی»، «سایر فلزات»، «ماشین آلات دفتری، حسابداری و محاسباتی»، «ابزارهای اپتیکی و ابزار دقیق، ساعت های مچی و انواع دیگر ساعت»، «وسایل نقلیه موتوری، تریلرها و نیم تریلرها...» و «جواهرات و کالاهای متفرقه طبقه بندی نشده در جای دیگر»، در تمام تخمین های انجام شده دارای تورم پایینی نسبت به سایر زیربخش ها هستند.

«مواد و محصولات شیمیایی»، «سایر فلزات»، «ماشین آلات دفتری، حسابداری و محاسباتی»، «ابزارهای اپتیکی و ابزار دقیق، ساعت های مچی و انواع دیگر ساعت» و «وسایل نقلیه موتوری، تریلرها و نیم تریلرها...» دارای کمترین افزایش دستمزد متوسط هستند.

«سایر محصولات غذایی و آشامیدنی»، «فرآورده های نفتی» و «جواهرات و کالاهای متفرقه طبقه بندی نشده در جای دیگر» کمترین سهم جبران خدمات را از ستانده کل دارا می باشند. البته «فرآورده های نفتی» کمترین سهم مزد را هم دارا می باشد. «انواع کفش و اجزای آن و سایر محصولات چرمی»، «مبلمان»، «تجهیزات پزشکی و جراحی و وسائل ارتوپدی»، در تمام تخمین های انجام شده دارای تورم بالایی نسبت به سایر زیربخش ها هستند.

«انواع کفش و اجزای آن و سایر محصولات چرمی»، «مبلمان»، «تجهیزات پزشکی و جراحی و وسائل ارتوپدی»، دارای سهم مزد و سهم جبران خدمات بالایی می باشند. همچنین افزایش دستمزد متوسط شان بسیار بالا می باشد بویژه مبلمان که بیشترین افزایش دستمزد متوسط را دارا می باشد.

پیشنهادات:

با توجه به مشکلاتی که کشورمان همه ساله در تعیین حداقل دستمزد با آن مواجه است مواردی به صورت زیر پیشنهاد می گردد: همانطور که مشاهده شد با در نظر گرفتن اثرات سرریز از یک طرف افزایش قیمت ها بیشتر شد و از طرف دیگر اگر هدف از افزایش حداقل دستمزدها کاهش فاصله طبقات مزدی باشد با وجود اثرات سرریز این هدف محقق نمی شود بنابراین ضروریست تا از تأثیر افزایش حداقل دستمزدها بر سایر طبقات مزدی جلوگیری گردد.

با توجه به افزایش قیمت ها در نتیجه افزایش حداقل دستمزدها بایستی مقامات ذیصلاح گروه های آسیب پذیر ناشی از افزایش

حداقل دستمزد را شناسایی کنند. مثلاً گروه هایی هستند که مزدبگیر نمی باشند و با افزایش حداقل دستمزدها و افزایش قیمت های ناشی از آن آسیب می بینند.

جهت بهتر محقق شدن اهداف اصلی حداقل دستمزد و کم شدن اثرات منفی آن به نظر میرسد وجود سیاست های مکمل حداقل دستمزد ضروری می باشد، تا در نتیجه آن سطح زندگی کارگران کم درآمد و خانواده های آنان بهبود یابد.

چند نرخ حداقل دستمزد برای مناطق مختلف در نظر گرفته شود تا دستمزدها با توجه به هزینه های زندگی در مناطق مختلف تعیین گردد. در این رابطه نباید افزایش در حدی باشد که باعث مهاجرت نیروی کار شود.

استفاده از تجارب سایر کشورها در این زمینه می تواند مفید باشد. بنابراین لازم است تا روش های مختلف تعیین حداقل دستمزد در کشورهای مختلف مورد ارزیابی قرار گیرد تا بتوان راه های بهتری که شامل اثرات منفی کمتری برای جامعه میشود یافت.

ضمائم:

جدول شماره ۱: ضریب واردات، ضریب تولیدات داخلی و سهم جبران خدمات اولیه از ستانده کل

ردیف	عنوان محصولات	ضریب واردات (b)	ضریب تولیدات داخلی (1 - b)	جبران خدمات اولیه / ستانده کل
۱	روغن ها و چربی های گیاهی و حیوانی	۰,۳۲۹۰	۰,۶۷۱۰	۰,۰۵۴۲۶۶۹۶
۲	سایر محصولات غذایی و آشامیدنی	۰,۰۶۸۹	۰,۹۳۱۱	۰,۰۴۶۴۴۶۰۴۵
۳	محصولات از توتون و تنباکو	۰,۶۱۳۵	۰,۳۸۶۵	۰,۲۶۵۵۰۵۶۲۹
۴	منسوجات	۰,۱۵۲۲	۰,۸۴۷۸	۰,۱۶۱۳۶۳۱۰۶
۵	انواع پوشاک	۰,۶۸۲۰	۰,۳۱۸۰	۰,۱۱۶۰۳۱۴۲۹
۶	انواع کفش و اجزای آن و سایر محصولات چرمی	۰,۶۱۷۲	۰,۳۸۲۸	۰,۱۵۱۷۴۲۹۸۲
۷	محصولات ساخته شده از چوب، چوب پنبه، نی و حصیر	۰,۱۶۰۶	۰,۸۳۹۴	۰,۱۲۹۲۵۲۷۶۷
۸	خمیر کاغذ، کاغذ و محصولات کاغذی، اوراق چاپی و کالاهای مربوط	۰,۳۹۸۲	۰,۶۰۱۷	۰,۱۴۸۵۸۰۳۴۳
۹	فرآورده های نفتی	۰,۱۰۴۷	۰,۸۹۵۲	۰,۰۳۷۹۴۱۳۶۹
۱۰	مواد و محصولات شیمیایی	۰,۳۸۷۲	۰,۶۱۲۸	۰,۰۷۷۳۰۶۴۴۷
۱۱	محصولات لاستیکی و پلاستیکی	۰,۲۲۶۸	۰,۷۷۳۱	۰,۱۲۲۹۷۶۰۴۲
۱۲	شیشه و محصولات شیشه ای	۰,۲۶۳۷	۰,۷۳۶۲	۰,۱۵۵۴۴۵۰۷۱
۱۳	سایر محصولات کانی	۰,۰۴۷۱	۰,۹۵۲۹	۰,۱۵۹۱۴۱۲۱۷
۱۴	مبلمان	۰,۰۰۶۸	۰,۹۹۳۱	۰,۱۵۹۷۰۹۱۳۷
۱۵	آهن، فولاد و محصولات آن	۰,۲۸۴۵	۰,۷۱۵۴	۰,۰۸۵۳۷۴۶۸۴
۱۶	سایر فلزات	۰,۱۹۸۷	۰,۸۰۱۳	۰,۱۰۲۰۱۱۹

کارو جامعه

۲۰

دانشگاه علامه طباطبائی قم



کار و جامعه

۰,۰۹۹۰۸۹۰۹۶	۰,۸۱۸۹	۰,۱۸۱۰	محصولات فلزی	۱۷
۰,۱۷۴۷۳۳۱۹	۰,۲۳۰۵	۰,۷۶۹۵	ماشین آلات با کاربرد عام	۱۸
۰,۰۷۴۹۲۲۹۷۳	۰,۳۹۴۶	۰,۶۰۵۳	ماشین آلات با کاربرد خاص	۱۹
۰,۱۰۹۳۶۱۴۴	۰,۹۲۸۱	۰,۰۷۱۹	وسایل خانگی و قطعات مربوط	۲۰
۰,۰۷۹۲۷۵	۰,۲۲۹۱	۰,۷۷۰۹	ماشین آلات دفتری، حسابداری و محاسباتی	۲۱
۰,۱۱۶۵۱۷۹۰۹	۰,۶۲۶۴	۰,۳۷۳۶	ماشین آلات و دستگاه‌های الکتریکی	۲۲
۰,۰۷۹۸۸۹۹۶۵	۰,۳۴۱۴	۰,۶۵۸۵	تجهیزات و دستگاه‌های مربوط به رادیو و تلویزیون و مخابرات	۲۳
۰,۱۶۷۴۵۵۴۰۲	۰,۳۷۶۰	۰,۶۲۳۹	تجهیزات پزشکی و جراحی و وسائل ارتوپدی	۲۴
۰,۱۵۴۴۸۷۶۳۷	۰,۱۴۷۹	۰,۸۵۲۰	ابزارهای اپتیکی و ابزار دقیق، ساعت‌های مچی و انواع دیگر ساعت	۲۵
۰,۰۵۳۳۷۵۵۷۵	۰,۸۰۲۲	۰,۱۹۷۷	وسایل نقلیه موتوری، تریلرها و نیم تریلرها، بدنه، قطعات و لوازم الحاقی آنها	۲۶
۰,۱۳۲۷۱۷۵۷۱	۰,۴۴۴۵	۰,۵۵۵۴	سایر وسایل و تجهیزات حمل و نقل و قطعات آنها	۲۷
۰,۰۳۱۸۷۸۳۲۷	۰,۷۳۴۶	۰,۲۶۵۳	جواهرات و کالاهای متفرقه طبقه بندی نشده در جای دیگر	۲۸

مأخذ: محاسبات محقق

جدول شماره ۲: تعداد شاغلان و میزان مزد و حقوق کارکنان در سال های ۱۳۷۹ و ۱۳۸۰

ردیف	عنوان محصولات	سال ۱۳۷۹		سال ۱۳۸۰	
		تعداد شاغلان	مزد و حقوق (میلیون ریال)	تعداد شاغلان	مزد و حقوق (میلیون ریال)
۱	روغن‌ها و چربی‌های گیاهی و حیوانی	۱۱۰۱۹	۱۱۷۰۸۰	۱۰۹۷۹	۱۵۶۰۶۰
۲	سایر محصولات غذایی و آشامیدنی	۱۱۷۰۳۰	۱۰۷۵۰۸۹	۱۱۶۳۴۱	۱۲۳۶۹۶۹
۳	محصولات از توتون و تنباکو	۷۱۶۰	۹۳۷۸۲	۹۶۱۴	۱۳۸۹۰۵
۴	منسوجات	۱۴۱۸۱۸	۱۱۸۷۵۲۳	۱۳۴۰۶۱	۱۳۶۴۰۷۱
۵	انواع پوشاک	۴۸۱۸	۳۶۹۶۸	۴۹۹۰	۴۳۲۲۵
۶	انواع کفش و اجزای آن و سایر محصولات چرمی	۱۳۰۵۲	۱۰۵۳۸۸	۱۲۷۳۰	۱۲۶۵۹۴
۷	محصولات ساخته شده از چوب، چوب پنبه، نی و مواد حصیر بافی	۸۶۷۲	۷۳۸۲۰	۸۸۵۹	۸۷۸۷۵
۸	خمیر کاغذ، کاغذ و محصولات کاغذی، اوراق چاپی و کالاهای مربوط	۲۴۸۲۴	۲۳۹۴۵۱	۲۵۵۲۰	۲۸۷۷۷۴

۲۶۳۰۰۶	۱۷۲۱۴	۲۰۰۲۷۳	۱۶۶۹۵	فرآورده‌های نفتی	۹
۹۴۶۰۹۶	۶۵۹۲۵	۸۷۷۷۷۷	۶۳۹۴۹	مواد و محصولات شیمیایی	۱۰
۴۴۰۸۷۳	۳۵۸۹۳	۳۵۹۱۵۷	۳۵۴۶۹	محصولات لاستیکی و پلاستیکی	۱۱
۱۳۱۶۲۹	۱۲۵۵۱	۱۱۷۰۳۸	۱۲۴۸۱	شیشه و محصولات شیشه ای	۱۲
۱۳۱۶۹۳۴	۱۱۲۲۶۵	۱۰۸۰۳۷۵	۱۱۱۴۱۱	سایر محصولات کانی	۱۳
۸۲۶۱۹	۷۱۹۷	۵۲۴۲۷	۶۳۵۱	مبلمان	۱۴
۷۰۵۲۰۱	۴۲۳۰۳	۵۷۰۵۸۲	۴۴۳۲۹	آهن، فولاد و محصولات آن	۱۵
۴۴۴۹۹۱	۲۸۲۳۹	۴۱۴۹۲۲	۲۶۲۶۶	سایر فلزات	۱۶
۵۶۸۵۵۱	۴۸۸۸۲	۴۹۹۶۹۲	۴۹۶۸۳	محصولات فلزی	۱۷
۳۴۸۲۳۸	۲۹۶۲۸	۲۹۰۵۴۶	۲۸۱۲۹	ماشین آلات با کاربرد عام	۱۸
۲۸۱۶۲۱	۲۲۳۵۱	۲۲۹۴۸۳	۲۲۸۳۱	ماشین آلات با کاربرد خاص	۱۹
۲۵۵۰۱۹	۲۱۴۳۷	۲۱۸۶۹۸	۲۱۴۱۲	وسایل خانگی و قطعات مربوط	۲۰
۱۷۶۱۰	۱۵۴۵	۱۷۴۱۷	۱۵۷۸	ماشین آلات دفتری، حسابداری و محاسباتی	۲۱
۵۱۲۴۴۱	۳۶۷۹۲	۳۷۲۶۵۲	۳۳۷۶۵	ماشین آلات و دستگاه‌های الکتریکی	۲۲
۱۲۷۷۳۱	۱۰۱۱۲	۹۵۵۶۱	۱۰۰۹۴	تجهیزات و دستگاه‌های مربوط به رادیو و تلویزیون و مخابرات	۲۳
۶۷۶۲۷	۶۵۹۷	۴۴۷۲۴	۵۲۳۷	تجهیزات پزشکی و جراحی و وسایل ارتوپدی	۲۴
۴۸۲۷۴	۴۴۴۳	۴۷۱۹۱	۴۱۹۳	ابزارهای اپتیکی و ابزار دقیق، ساعت‌های مچی و انواع دیگر ساعت	۲۵
۸۸۳۵۸۶	۶۷۴۱۶	۷۷۹۴۱۴	۵۹۴۴۳	وسایل نقلیه موتوری، تریلرها و نیم تریلرها، بدنه، قطعات و لوازم الحاقی آنها	۲۶
۱۹۹۱۰۰	۱۶۳۱۰	۱۱۸۹۶۸	۱۲۴۸۰	سایر وسایل و تجهیزات حمل و نقل و قطعات آنها	۲۷
۳۲۹۹۲	۳۰۶۱	۲۶۵۰۰	۳۲۳۸	جواهرات و کالاهای متفرقه طبقه بندی نشده در جای دیگر	۲۸



کار و جامعه

جدول شماره ۳: درصد افزایش جبران خدمات کارکنان در سال ۱۳۸۰ نسبت به سال ۱۳۷۹

ردیف	عنوان محصولات	درصد افزایش دستمزد متوسط	سهم مزد و حقوق از جبران خدمات	درصد افزایش جبران خدمات کارکنان (سناریوی ۱)	درصد افزایش جبران خدمات کارکنان (سناریوی ۲)
۱	روغن‌ها و چربی‌های گیاهی و حیوانی	۳۳,۷۷۹۱۰۵۲	۶۲,۸۸۴۰۵۹۷۸	۲,۸۶۷۶۲۵۸۱۶	۵,۹۴۷۶۶۸
۲	سایر محصولات غذایی و آشامیدنی	۱۵,۷۳۸۷۵۶	۵۶,۲۳۴۸۱۰۰۸	۱,۱۹۴۸۳۹۰۳۹	۲,۴۷۸۱۸۵
۳	محصولات از توتون و تنباکو	۱۰,۳۰۸۰۷۱۷۸	۵۳,۱۴۱۱۰۳۸۷	۰,۷۳۹۵۰۶۱۲۲	۱,۵۳۳۳۷۹
۴	منسوجات	۲۱,۵۱۳۳۰۹۱۲	۵۹,۷۸۰۷۴۲۳۱	۱,۷۳۶۲۱۰۱۴۴	۳,۶۰۱۰۲۸
۵	انواع پوشاک	۱۲,۸۹۵۱۵۳	۷۰,۳۶۲۳۵۱۸۷	۱,۲۲۴۸۹۹۹۴۵	۲,۵۴۰۵۳۳
۶	انواع کفش و اجزای آن و سایر محصولات چرمی	۲۳,۱۶۰۲۶۶۸۵	۶۸,۱۸۵۹۳۱۲۷	۲,۱۳۱۹۲۵۸۹۱	۴,۴۲۱۷۷۲
۷	محصولات ساخته شده از چوب، چوب پنبه، نی و مواد حصیر باقی	۱۶,۵۲۶۸۱۱۹۲	۵۲,۶۲۲۵۹۶۴۳	۱,۱۷۴۰۷۳۰۶۸	۲,۴۳۵۱۱۵
۸	خمیر کاغذ، کاغذ و محصولات کاغذی، اوراق چاپی و کالاهای مربوط	۱۶,۹۰۳۰۹۰۰۶	۵۳,۳۱۵۹۶۷۳۳	۱,۲۱۶۶۲۶۲۰۷	۲,۵۲۳۳۷۳
۹	فرآورده‌های نفتی	۲۷,۳۶۴۳۴۸۲۶	۳۱,۸۰۹۳۰۳۳۴	۱,۱۷۵۰۹۵۱۵۴	۲,۴۳۷۲۳۴
۱۰	مواد و محصولات شیمیایی	۴,۵۵۲۵۴۹۷۲۷	۵۱,۳۲۹۱۶۰۱۴	۰,۳۱۵۴۶۶۰۴۸	۰,۶۵۴۳
۱۱	محصولات لاستیکی و پلاستیکی	۲۱,۳۰۲۱۰۹۲۴	۶۰,۰۲۰۹۳۸۵	۱,۷۲۶۰۷۲۹۹۵	۳,۵۸۰۰۰۳
۱۲	شیشه و محصولات شیشه ای	۱۱,۸۳۹۶۳۵۷۱	۵۴,۸۰۱۱۱۹۱	۰,۸۷۵۹۱۴۱۳۷	۱,۸۱۶۷۱۱
۱۳	سایر محصولات کانی	۲۰,۹۶۸۷۴۵۲۴	۶۰,۳۵۶۷۹۶۶۷	۱,۷۰۸۵۶۸۴۹۵	۳,۵۴۳۶۹۸
۱۴	میلان	۳۹,۰۶۴۲۶۲۵۵	۶۶,۴۳۱۶۰۹۶۷	۳,۵۰۳۳۸۷۴۸۶	۷,۲۶۶۲۸۵
۱۵	آهن، فولاد و محصولات آن	۲۹,۵۱۲۴۷۹۹۷	۴۳,۹۰۱۰۷۷۰۴	۱,۷۴۹۱۰۰۰۳۷	۳,۶۲۷۷۶۳
۱۶	سایر فلزات	-۰,۲۴۶۲۱۳۱۵۶	۵۷,۳۲۱۵۲۳۵۷	-۰,۰۱۹۰۵۲۹۷۳	-۰,۰۳۹۵۲
۱۷	محصولات فلزی	۱۵,۶۴۴۷۳۷۹۷	۵۶,۷۲۷۱۲۳۶۱	۱,۱۹۸۰۹۹۳۲۹	۲,۴۸۴۹۴۷

۲,۳۲۸۲۶۸	۱,۱۲۲۵۵۷۸۰۸	۶۰,۲۸۸۶۳۳۶۶	۱۳,۷۹۲۳۸۹۲۴	ماشین آلات با کاربرد عام	۱۸
۳,۷۵۷۴۳۱	۱,۸۱۱۶۱۸۴۸۷	۵۲,۹۲۵۵۳۳۹۱	۲۵,۳۵۵۲۴۰۱	ماشین آلات با کاربرد خاص	۱۹
۲,۵۹۲۸۱۸	۱,۲۵۰۱۰۸۵۷۴	۵۶,۲۱۷۵۲۵۷۸	۱۶,۴۷۱۸۴۴۶۵	وسایل خانگی و قطعات مربوط	۲۰
۰,۶۷۰۲۸۸	۰,۳۲۳۱۷۴۷۶۴	۷۳,۲۵۹۰۰۶۵۷	۳,۲۶۷۷۰۳۵۲۱	ماشین آلات دفتری، حسابداری و محاسباتی	۲۱
۴,۸۱۱۲۶۸	۲,۳۱۹۷۱۸۶۸۴	۶۵,۵۸۸۱۴۱۲۵	۲۶,۱۹۸۳۷۷۴۳	ماشین آلات و دستگاه‌های الکتریکی	۲۲
۵,۲۴۵۴۰۵	۲,۵۲۹۰۳۴۷۰۶	۵۶,۰۴۴۲۴۵۳۴	۳۳,۴۲۶۴۲۹۹۶	تجهیزات و دستگاه‌های مربوط به رادیو و تلویزیون و مخابرات	۲۳
۳,۸۹۴۱۸۳	۱,۸۷۷۵۵۲۴	۶۹,۴۱۰۱۴۶۶۷	۲۰,۰۳۷۱۲۱۶۹	تجهیزات پزشکی و جراحی و وسایل ارتوپدی	۲۴
-۰,۶۱۲۷۴	-۰,۲۹۵۴۳۰۲۲۲	۶۳,۲۲۸۸۹۹۲۵	-۳,۴۶۱۰۳۱۳۳۲	ابزارهای اپتیکی و ابزار دقیق، ساعت‌های مچی و انواع دیگر ساعت	۲۵
-۰,۰۰۴۸۳	-۰,۰۰۲۳۲۸۲۷۱	۴۱,۲۴۴۷۵۶۲۲	-۰,۰۴۱۸۱۴۸۹۵	وسایل نقلیه موتوری، تریلرها و نیم تریلرها، بنده، قطعات و لوازم الحاقی آنها	۲۶
۴,۳۰۹۱۹۴	۲,۰۷۷۶۴۷۲۷	۵۴,۸۵۳۴۷۱۵۳	۲۸,۰۵۶۵۲۸۳۳	سایر وسایل و تجهیزات حمل و نقل و قطعات آنها	۲۷
۶,۲۰۸۷۴	۲,۹۹۳۴۹۹۸۳۷	۶۹,۹۵۶۱۰۷۸	۳۱,۶۹۷۱۲۲۰۴	جواهرات و کالاهای متفرقه طبقه بندی نشده در جای دیگر	۲۸

مأخذ: محاسبات محقق

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

کار و جامعه

۲۴

منابع:

- ۱- باقری نژادبان فرد، محمد باقر، ۱۳۷۷، «بررسی عوامل مؤثر در تعیین حداقل دستمزد کارگران ایران و آرایه راهکارهای مناسب»، پایان نامه کارشناسی ارشد، مرکز آموزش مدیریت دولتی
- ۲- برانسون، اچ ویلیام، ۱۳۸۴، «تئوری و سیاستهای اقتصاد کلان»، عباس شاکری، چاپ هشتم، تهران، نشر نی، ص ۸۰۸
- ۳- توفیق، فیروز، ۱۳۷۱، «تحلیل داده - ستانده در ایران و کاربردهای آن در سنجش، پیش بینی و برنامه ریزی»، ناشر: انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، چاپ اول، ۲۷۸ ص
- ۴- جلالی نائینی، سید احمدرضا، محمدرضا میرحسینی، ۱۳۷۷، «یک الگوی تلفیقی تورم: فشار هزینه و اضافه تقاضا»، برنامه و بودجه، شماره ۳۴ و ۳۵، صص ۹۱-۱۰۵
- ۵- جهانی رابنی، پروانه، اشرف السادات میری، خدیجه تقی زاده، بنفشه پورحسینی، نجم الدین آهمند، ۱۳۸۶، «روند نرخ تورم طی سالهای اخیر؛ علت شناسی و ارائه راهکارهای اجرایی مقابله با آن»، مجله اقتصادی، ماهنامه مسائل و سیاستهای اقتصادی (ویژه نامه تورم)، شماره ۷۵ و ۷۶، صص ۷۹-۱۰۷
- ۶- سوری، علی، محسن بختیار، ۱۳۷۷، «بررسی اثرات تورمی افزایش قیمت انرژی»، وزارت نیرو، معاونت برق و انرژی، گروه مدلسازی و تلفیق، دفتر برنامه ریزی انرژی، صص ۷-۱
- www.Iranenregy.org.ir/library/articles/second%20national%20energy%20congress/1034.pdf
- ۷- ملک محمدی، بهروز، ۱۳۶۸، «صورتجلسات شورای اقتصاد ۱۳۶۵-۱۳۵۲»، حقوق و دستمزد جمعیت و نیروی انسانی، سازمان مدیریت و برنامه ریزی
- ۸- مؤسسه کار و تأمین اجتماعی، ۱۳۷۳، گروه اقتصاد کار، «روند حداقل مزد»، کار و جامعه، شماره چهارم، صص ۱۷-۲۰
- ۹- ۱۳۸۰، «تاریخچه حداقل دستمزد در ایران»، تهران، مؤسسه کار و تأمین اجتماعی، وزارت کار و امور اجتماعی
- ۱۰- ۱۳۷۹، «گزارش راجع به مزد»، اداره کل بهره وری و مزد، وزارت کار و امور اجتماعی، معاونت تنظیم روابط کار
- ۱۱- ۱۳۸۱، «گزارش راجع به مزد»، اداره کل بهره وری و مزد، وزارت کار و امور اجتماعی، معاونت تنظیم روابط کار
- ۱۲- «شاخصهای قیمت»، اداره بررسیها و سیاستهای اقتصادی، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، بانک اطلاعات سریهای زمانی اقتصادی
- <http://tsd.cbi.ir/IntTSD/Display/Display.aspx>
- ۱۳- ، ۱۳۸۷، «حداقل دستمزد کارگران برای سال ۱۳۸۸، ۲۷۴ هزار و ۵۰۰ تومان تعیین شد»، روزنامه دنیای اقتصاد، سال هفتم، شماره ۱۷۵۷، ص ۸
- 14- Aaronson, Daniel and Eric French, 2006, "Output Prices and the Minimum Wage", Employment Policies Institute, pp 1-15
www.theo.to/ronald/ej.pdf
- 15- Bhaskar, V. and Ted to, 1998, "Minimum Wages for Ronald Macdonald Monopsonies: A Theory of Monopsonistic Competition", pp1-17
www.epionline.org/studies/aaronson_06-2006.pdf
- 16- Borjas, J, George, 2005, "Labor Economics", Published by McGraw-Hill/Irwin, a Business Unit of McGraw-Hill Companies United States, New York, Third Edition, 536 p
- 17- Eatwell, John, Morray Milgate, Peter Newman, 1988, "The New Palgrave a Dictionary of

Economics”, Volume 4 (Q to Z), Published in the Macmillan Press Limited, London

18- Lee, Chinkook, Brian O’Roark, 1999, “ The Impact of Minimum Wage Increases on Food and Kindred Products Prices : An Analysis of Price Pass – Through” , US Department of Agriculture Technical Bulletin, No.1877

www.ers.usda.gov/publications/tb1877/TB1877.pdf

19- Lee, Chinkook, Gerald Schluter, and Brian O’Roark, 2000, “How Much Would Increasing the Minimum Wage Affect Food Prices?”, Agriculture Information Bulletin No.747-03, pp 1-8
www.ers.usda.gov/publications/aib747/aib74703.pdf

20- Lee, Chinkook, Gerald Schluter, Brian O’Roark, 2000, “Minimum Wage and Food Prices: an Analysis of Price Pass –Through Effect”, Economic Research Service, US Department of Agriculture, International Food and Agribusiness Management Review 3 (2000) 111 – 128
www.ageconsearch.umn.edu/bitstream/34561/1/03010111.pdf

21- Lemos, Sara, 2004, “The Effect of the Minimum Wage on Prices in Brazil”, University of Leicester, Working Paper No.04/6
www.ie.ac.uk/economics/research/RePEc/lec/leecon/dp04-6.pdf

22- Lemos, Sara, 2006, “A Survey of The Effects of The Minimum Wage on Prices”, University of Leicester, UK, Department of Economics, Working Paper No. 06/9, pp 1-37
www.econ.nyu.edu/user/nadiri/pub28.PDF

23- MaCurdy, T, F. McIntyre, 2001, “Winners and Losers of Federal and State Minimum Wage”, Employment Policies Institute Foundation Paper 6/01, 1-71
www.epionline.org/studies/macurdy_06-2001.pdf

24- O’Brein- Strain, Margaret, Thomas MaCurdy, 2000, “Increasing the Minimum Wage: California’s Winners and Losers”, Public Policy Institute of California, pp 1-79
www.ppic.org/content/pubs/report/R_500MOR.pdf

25- Wolf, E. and M. Nadiri, 1981, “A Simulation Model of the Effects of an Increase in the Minimum Wage on Employment, Output and the Price Level”, Report of the Minimum Wage Paper Commission, 6, 217- 232

www.le.ac.uk/economics/research/RePEc/lec/leecon/dp06-9.pdf